

بررسی روشهای تحقیقی غرب در برخورد با مسائل روانشناسی اجتماعی در ایران

مقدمه

هدف ما از عرضه مطالب زیر دوگانه است :

۱- انتقاد تا آنجا که میسر باشد از تکنیکها و روشهای تحقیقی که ما تاکنون در علوم اجتماعی بطور کلی و در روانشناسی اجتماعی بطور اخص به کار گرفته ایم .
۲- طرح مشکلات کار و تعیین شرایطی که بتواند تاحدی در کاربرد این روشها و در تحقیقات به ما یاری دهد . ما با طرح کردن این دو مبحث سعی می کنیم نشان دهیم تا چه حد ارتباط روشهای تحقیق اجتماعی در ایران با موضوعاتی که ما با آنها سروکار داریم باید نزدیک باشد ، چه معتقدیم هر روشی را نمی توان در مطالعه هر موضوعی به کاربرد . (۱)
روشهای تحقیق غربی برای جامعه های غربی و برای انسانهای غربی ابداع شده اند . ما نیز باید به مسائل خود بیندیشیم و بالهام گرفتن از دانش غربی برای حل آنها بکوشیم .
با ایجاد و تاءسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷

1- Comte (Auguste).- Cours de Philosophie Positive, Edit.

Bachelier, Paris 1830.

Edit. Garnier, Paris, 1962, PP. 71 et 72.

تحقیقات اجتماعی به معنای غربی آن در کشور ما آغاز شد و تا امروز ادامه دارد و رشد فراوان نیز یافته است ✓

ما مطالب خود را براساس سه کار تحقیقی که در این مؤسسه انجام پذیرفته قرار داده ایم تا قابل لمستر باشد و بامثالهایی بتوانیم آنها را روشنتر بیان کنیم. این تحقیقات عبارت اند از :

— مطالعه اوقات فراغت دانشجویان انجمن ایران و فرانسه (پرسشنامه) در سال ۱۳۳۸ .

— مطالعه باروری ، مرگ و میر کودکان و امور جنسی (مصاحبه) در سال ۱۳۴۶ .

— بررسی مسائل جوانان داوطلب کنکور (پرسشنامه) در سال ۱۳۴۷ .

بخش اعظم تحقیقات در روانشناسی اجتماعی براساس مطالعه بیان و گفتار انسانها صورت می پذیرد . بنابراین محقق نیازمند به شناختن قواعد منطق محلی است و باید رموز محاوره و مکالمه و مصاحبه را بداند و ویژگیهای ذهنی مردم خود را تمیز بدهد و میان بیان قراردادی و بیان واقعی فرق بگذارد .

وجود تفاوت دو بیان در ایران مسئلهای است که در تحقیقات اجتماعی بطور کلی مهم و اساسی می باشد ، مادر مطالعه ای که در سه منطقه از ایران (تربت حیدریه و شهسوار و تهران) در مورد باروری و مرگ و میر و امور جنسی انجام دادیم خیلی زود متوجه شدیم که در کشور ما و در نزد مردم ما دوسطح بیان مشاهده می شود و سپس به این واقعیت پی بردیم که این تفاوت نه فقط در سطح بیان بلکه در سطح رفتار مردم ما نیز وجود دارد . (۲)

این دو بیان عبارت اند از :

— بیان جبهه ای و یا به عبارت دیگر بیان قالبی و با سمه ای که خالی از هرگونه تهدید و دردسر برای گوینده آن است . این بیان برای بیگانگان و کسانی که به گروه و طایفه بستگی ندارد به کار می رود و بیانی است "عاقلا نه" و بدون آنکه صاحب آن را متعهد بسازد عنوان می گردد .

— بیان اندیشیده که بیان عمل است و با واقعیات زندگی مطابقت دارد . این نوع بیان منحصر " در برابر اهل گروه و با اصطلاح " خودیها " عرضه می گردد .

این هر دو بیان به شرایط تحقیق مربوط اند ، یعنی به نوع پرسش ، پرسشگر ، محل

(۲) کتبی (مرتضی) با همکاری لیلا سپهری ، "مسائل انسانی تحقیق در علوم اجتماعی در ایران" ، نامه علوم اجتماعی ، دوره ۱ ، شماره ۱ ، پائیز ۱۳۴۷ ، ص ۶۴ تا ۷۹ .

تحقیق و هدف تحقیق بستگی پیدا می کنند ، لکن ترتیب آنها و فاصله آنها و میزان سهولت در گذشتن از یکی به دیگری با منزلت اجتماعی فرد پیوند دارد .

این دوگانگی بیان را می توان در مثال زیر به وضوح مشاهده کرد :

سؤال : پدر و مادر دلشان می خواهد بچه اولشان چه باشد ، دختر یا پسر (۳)
پاسخ جبهه های به این سؤا ل عبارت است از : فرق نمی کند " ویا " هرچه خدا
بخواهد همان است " و از این قبیل

چنانچه پرسشگر در برابر این پاسخ تعجبی از خود نشان ندهد و پاسخگو را مورد طعن و شماتت قرار ندهد و اعتماد وی را به صداقت و بی آزاری و بی نظری خود جلب کند و سؤا ل را دوباره مطرح سازد ، پاسخگو در آن حال خواهد گفت : " البته بعضیها هستند که پسر را ترجیح می دهند " و از این قبیل و سپس همین شخص قادر خواهد بود مدتها در اوصاف پسر داستانها بگوید و از دختر موجود ضعیف و نحیف و کم ارزشی بسازد .

به این ترتیب در طول یک مصاحبه یک ساعته پرسشگر و پاسخگو از فراز و نشیب یک سلسه روابط پیچیده می گذرند که فوق العاده جالب و آموزنده است .

البته این دوگانگی بیان را می توان در بسیاری از فرهنگهای جهان ملاحظه کرد ، منتها به نظر می رسد که این پدیده در ایران به دلیل وضوح آن و به سبب سیستماتیک بودن آن و نیز به سبب فراوانی موضوعاتی که این قاعده شامل آن می شود نمونه و معنادار است . بنابراین جای تعجب نیست که می بینیم روشهای غربی در کاربرد ایرانی آن دچار زیانهایی می گردد و ما ناچاریم به ابداع تکنیکهای خاص دست بزنیم .

مضرات شیوه های غربی

قبل از آنکه به تکنیکهای خاص خود پردازیم ارجح است به انتقاد خود از روشهای غربی سرو صورت بهتری بدهیم . برای این کار پرسشنامه^۴ مربوط به اوقات فراغت دانشجویان انجمن ایران و فرانسه را مورد استفاده قرار می دهیم .
عدم رعایت شرایط اجتماعی و روانی خاصی که در طرح این پرسشنامه وجود داشته مایه نابسامانیهایی در نتایج گشته است از این قرار :

(۳) این سؤا ل عینا " از راهنمای مصاحبه ای که در مطالعه^۴ باروری ، مرگ و میر کود کان و امور جنسی به کار رفته اقتباس گردیده است .

۱- جالبترین و ظریفترین سؤالات از نظر تکنیکی نتایج نامفهوم و ناهماهنگی به ماداده است .

۲- تعداد بلا جوابها حتی در مورد ساده ترین سؤالات بالاست .

مثلاً " دربرابر سؤال " در موسیقی غربی از چند قطعه مورد علاقه و مؤلف آنها نام ببرید " فقط ۲۶٪ دانشجویان پاسخ دادند و پرسشگر غربی ما عدم پاسخ را نشانه ذهنیات و عدم اطلاعات کافی دانشجویان می داند ، در حالی که این سؤال در مورد این دسته از جوانان مناسب نبوده است . زیرا دانستن نام قطعات موسیقی کلاسیک و مصنف آنها مستلزم تربیت غربی دراز مدت هنری است . حفظ کردن نامهای خارجی چه در مورد قطعات و چه در مورد مصنفان برای ما دشوار است . بخصوص اگر علاقه خاصی نیز در بین نباشد . دانشجویان حتی اگر تعداد زیادی آهنگ را هم در ذهن داشته باشند و بتوانند زمزمه کنند ، نخواهند توانست بیش از حد معینی به این پرسش پاسخ بدهند .

۳- در مواردی که پاسخ دادن به سؤالی مستلزم انتخاب یک پاسخ از بین چند پاسخ بوده (مانند اشل های گرایش) معمولاً " اولین و آخرین آنها حجیم تر از بقیه بوده است .

۴- در برخی موارد محقق در پی به دست آوردن یک طبقه بندی منظم فکری است و برعکس در برابر مجموعه ای از پاسخهای پیچیده قرار می گیرد که معنی آنها را با زبانی شناسد مثلاً " :
الف) در قضاوت فیلمها پاسخها جبهه های است از قبیل : فیلمهای اخلاقی و علمی رامی پسندم .

ب) طبقه بندی فنی فیلمها (کوتاه مدت ، رپرتاژ ، مستند) با ذهنیات جوانان در این باره بیگانه است .

پ) طبقه بندی دیگری از فیلمها که با افکار جوانان مطابقت بیشتری دارد (اخلاقی خانوادگی ، عشقی ، فکاهی ، آموزنده ، سبک ، سکسی و غیره . . .) باعث شگفتی محقق می گردد و این طبقه بندی " اخلاقی " را که به جای یک طبقه بندی " فنی " مورد انتظار داده شده است نمی پذیرد ، غافل از اینکه مردم بالا و پایین شهر تهران نیز فیلمها را مانند یکدیگر دسته بندی نمی کنند تا چه رسد به یک طبقه بندی واحد فرهنگی .

ت) قضاوتهای عاطفی کلی درباره سینما نیز که برای ما نشانه پاسخ جبهه های به آن نوع سؤالات است محقق غربی را سردرگم می کند .

نکات بالا نشانه یک نوع اروپا گرایی (eurocentrisme) است

و نمایانگر این واقعیت است که محقق غربی نمی تواند بفهمد که مردمی ممکن است مواد

اولیه آنها (مثلاً "فیلمها") را طور دیگری و براساس ضوابط عمیقاً متفاوتی دسته‌بندی کنند. از این رو با عجله چنین نتیجه می‌گیرد: "در این طبقه‌بندی بی‌نظمی وجود دارد".

محقق ما وقتی ویکتورهوگو را در رأس صورت مؤلفان مورد علاقه جوانان ایرانی و بینوایان را در رأس آثار مورد پسند آنها می‌بیند با سردرگمی در پی تفسیری برمی‌آید که بین رمانتیسیم این نویسنده و روحیه چینی و چنانی ایرانی رابطه‌ای برقرار کند. و آشکارا سعی دارد این انتخاب را از راه نزدیکی آثار ویکتورهوگو با شرایط فرهنگی و روانی جامعه ما توجیه نماید، ولی هنگامی که ما به شرایط تحقیق دقت می‌کنیم ملاحظه می‌نماییم یک داده مهم از دیده محقق دور مانده و آن این است که قبل از شروع این تحقیق فیلم بینوایان ویکتورهوگو ماهاروی پرده سینما در تهران بوده است و جوانان آن را دیده‌اند و می‌شناسند. بعلاوه این اثر به زبان فارسی ترجمه شده و تازه این فیلم که چهار ساعت طول می‌کشیده به قیمت یک سانس نمایش داده شده است.

اگر ارتباط بین پرسشگر و پاسخگو ارتباطی دوجانبه تر و عمیقتر می‌بود حتماً یقین نمایان می‌گردید. اغلب پرسشگر با سؤالات خود و رفتار خود پاسخگو را به مقاومت وامی‌دارد، چه گفتار و رفتار با سمه‌ای و قالبی پاسخ با سمه‌ای و قالبی را هم اجتناب ناپذیر می‌سازد. اصولاً "منطق پرسشنامه ایجاب می‌کند که سؤالات کوتاه و دقیق و پاسخها یگانه و روشن و مطمئن باشد. هرگاه در انتخاب یک پاسخ از بین پاسخهای ممکن، اجبار در کار باشد (و این مخالف روحیه شرقی است) نتیجه جز این نخواهد بود. از آنجا که پرسشنامه علی‌الاصول جز با بیان اول که همان بیان جبهه‌ای است سروکار ندارد یک تکنیک خوب تکنیکی است که امکان بروز هر دو سطح بیان را به ما بدهد.

مسئله این است که آدم شرقی برای پاسخ دادن به پرسشنامه (البته نوع غربی آن) ساخته نشده است، چون عادت ندارد از شخص خود تعریف ثابت و واقع بینانه‌ای به دست بدهد (برخلاف آدم غربی). پاسخ فرد ایرانی به یک سؤال در قالب عقلانی تعاریف غربی شخصیت اجتماعی، شخصیت خانوادگی و شخصیت انفرادی نمی‌گنجد. فرد غربی آنگاه که به اصالت اجتماعی خود، موقعیت خود، سن خود، پایگاه اجتماعی خود و نقشهای خود به تناسب امکانات خویشتن‌پی ببرد بسادگی خود را در وضع و موقع "پاسخگویی" قرار می‌دهد و کار تحقیق و محقق را سهولت می‌بخشد. مرد شرقی برعکس این شکل "واقع بینی" را ندارد و لزوم آن را نیز احساس نمی‌کند. وی عادت نکرده است تا خود را موضوع مطالعه قرار دهد و بدون "ادب" مخصوص که بسیار ظریف و سرشار از احساسات و عواطف است به بیگانه

عرضه نماید . تماس آمار گیران مرکز آمار ایران در سرشماری اخیر دلایل بیشماری را در اثبات این ادعا برای ما فراهم می آورد و امید است کتابی دربارهٔ روابط بین پرسشگر و پاسخگو که حاوی قوانین وقواعد تماس در فرهنگ ما می باشد با تجربهٔ عظیمی که به دست آمده در این مرکز به رشتهٔ تحریر درآید .

شیوه های تحقیق مناسب

۱- نقش پرسشگر

در تحقیقات اجتماعی در ایران مداخلهٔ فعالانه و التزام پرسشگر در محاوره به عنوان یک طرف قضیه ضروری است . گردآوری اطلاعات مستلزم آن است که پرسشگر خود را در محیط تحقیق بگنجانند و در فضای مردم تنفس کند تا سؤالات وی بتواند بطور خود بخود و طبیعی در جریان محاوره پیش کشیده شود .

آن دسته از تکنیکهای غربی که به این طرز تماس نزدیکتر است پیوسته در ایران موفقیت آمیز تر بوده است . من باب مثال می توان از مباحثهٔ گروهی که مادر مطالعهٔ قالی در شهر قمصر از آن بهره گرفتیم نام برد .

ما در عمل دیده ایم که روشهای مردم شناسی که در آن مشارکت پرسشگر در زندگی پاسخگو نسبت به سایر تکنیکها بیشتر است از مناسب ترین روشها در تحقیقات اجتماعی در ایران به شمار می آید .

ما همچنین مطمئن هستیم که در فرهنگ ما تکنیکهای بسیار ظریفی جهت برقراری تماس و گفتگو وجود دارد که متأسفانه تاکنون در تحقیقات اجتماعی به کار گرفته نشده اند . ما بخصوص به تکنیک " درددل " فکر می کنیم و معتقدیم بر ماست که قواعد و قوانین این شیوه را با تجربه دریابیم و آنها را تدوین کنیم و به کار بریم و در این صورت می توانیم مطمئن باشیم که تحقیقات ما در زمینهٔ علوم انسانی و اجتماعی می تواند رنگ دیگری به خود بگیرد و غنای بیشتری یابد . مهم این است که ما بتوانیم خود را از اسارت تام و تمام تکنیکهایی

که از مغرب زمین به ارمغان آورده ایم برهانیم و با تکیه بر آنها به خود و دانشجویان و محققان جوان امکان دهیم که روشهای غربی را با دید شرقی بنگریم و در این زمینه نوآوری‌هایی بکنیم .

تحلیل نتایج

بدیهی است که در تحقیقات اجتماعی تعیین شرایط پاسخگویی ، به منظور تعیین معنای پاسخها ، اصلی است ضروری . این شرایط را می توان در نکات زیر خلاصه کرد :

- نقش یا نقشهایی که پرسشگر بهنگام تحقیق بازی می کند .
- نوع یا انواع بیانی کهوی به کار می برد .
- نقش یا نقشهایی که پاسخگو بازی می کند .
- رابطه بین پاسخ کنونی با پاسخ یا پاسخهای قبلی و بعدی .
- رابطه بین سؤال و تعداد سؤال با پاسخ و از این قبیل (۴)

مثلا " در مورد نقشها اگر ما نوار یکی از مصاحبه هارا انتخاب کنیم می توانیم پاسخگو و پاسخها را از نظر رفتارها و گرایشها و بیان و صدا در قالب معین بررسی نماییم . (۵)

در اینجا به اختصار کامل از چند عنوان نام می بریم :

از نظر رفتار و گرایشها :

- ۱- میزان شرکت قبل از مصاحبه و هنگام مصاحبه .
- ۲- میزان علاقه که در چهار گرایش علاقه و اجبار و انتظار و امتناع مطالعه می شود .
- ۳- سلسله مراتب که از مقام عینی و ذهنی هریک نسبت به دیگری برمی آید : مالک و رعیت ، آقا و نوکر ، شهری و روستایی ، بیگانه و خودی و غیره

(۴) ما برای استخراج ۴۱۰ نوار مربوط به مطالعه باروری مدت مدیدی به کار برنامه ریزی آن پرداختیم تا بتوانیم قبلا " قالبهای استخراج را معین کنیم و واحد ضبط ، واحد بیان و واحد معنا را به دست آوریم .

(۵) مراجعه شود به مقاله " ما تحت عنوان " مسائل انسانی تحقیق در علوم اجتماعی در ایران ، در شماره ۱ دوره ۱ نامه علوم اجتماعی .

از نظر بیان :

۴- سطح بیان که در ۶ قالب ظاهر می گردد :

۱- جبهه ای

۲- جبهه‌ای - اندیشیده (با تکیه بر جبهه‌ای)

۳- جبهه ای - اندیشیده (با تکیه بر اندیشیده)

۴- جبهه‌ای - اندیشیده - جبهه‌ای (بعنوان نتیجه)

۵- جبهه‌ای - اندیشیده - جبهه‌ای (بعنوان ایدال)

۶- اندیشیده - جبهه‌ای (بعنوان اطلاع و ایدال)

۵- سبک بیان :

اثباتی ، نفی ، اعجابی ، استفهامی ، طنز و غیره

۶- از نظر صدا :

مردد ، یکنواخت ، خشک ، مهیج ، صمیمی ، آرام و غیره

با توجه به این ۶ ضابطه ما توانستیم ده نوع پاسخگو بیابیم که برای هر کدام بطور کامل " قراردادی نامی تعیین کرده ایم که عبارت اند از : پاسخگوی روشنفکر ، روشنفکر متظاهر ، خدمتکار با وفا ، بینوا گرا ، پاسخگوی ساده ، پاسخگوی خودمانی ، پاسخگوی منفعل پاسخگوی دست و پاگم کرده یا سرگردان ، پاسخگوی محافظه کار و بالاخره پاسخگوی زرنگ . هر یک از این نقشها بایک نوع آدم و یک زمان معینی از مصاحبه و با شرایط خاصی مطابقت دارد . با اینکه این کار بسیار مقدماتی و ابتدائی است و جای بحث و بسط فراوان دارد ، ولی نفع آن در این است که نشان می دهد به هر قشر اجتماعی-فرهنگی نوعی بیان و رفتار تعلق دارد و بین نقش و نوع بیان و نوع اجتماعی ارتباط وجود دارد و لازم خواهد بود تجزیه و تحلیلها با آگاهی به این تفاوتها انجام گیرد .

متغیرهای توجیهی و متغیرهای شاخص

در تحقیقات اجتماعی در ایران پدیده های متعددی دست به دست هم می دهند تا اثر متغیرهای توجیهی (که تفاوت رفتارها را در نزد مردم توجیه می کنند ، مانند سن و جنس و دین و شغل پدر و اهلیت و میزان سواد و غیره) را که اساس تحقیقات جامعه شناسی را در غرب تشکیل می دهد خنثی نمایند .

وقتی ما رفتار یک ایرانی را در برابر یک پرسشگر بشناسیم می‌توانیم به خوبی دریابیم که برای جمع آوری اطلاعات لازم نباید سؤالات کاغذی را پشت سرهم به زبان بیاوریم و به اصطلاح به "پرکردن پرسشنامه" اکتفا کنیم و متغیرهای رایج در تحقیقات را به سوءال تبدیل کرده مورد پرسش قرار دهیم چه:

اولاً "به دست آوردن سن و درآمد و نشانی محل اقامت و شغل پدر و سایر متغیرها در جامعه ما آسان نیست."

ثانیاً "این متغیرها نمی‌توانند واقعا پدیده‌های اجتماعی جامعه ما را توجیه و گرایشهای واقعی را برای ما دسته بندی کنند."

بنابراین اعتماد ما به نتایج حاصل آمده محدود خواهد بود و در اینجاست که ما به متغیرهای شاخص (اندیس) نیاز پیدا می‌کنیم زیرا این متغیرها ضابطه‌های ظریفتر و دقیقتری به دست می‌دهند. مثلاً "اگر بخواهیم از نظرات اجتماعی و طبقاتی وضع دانشجویان را بشناسیم در آمد پدر و مادر و شغل و تحصیلات آنان نه تنها ما را بطور کامل راهنمایی نمی‌کند بلکه در بعضی موارد گمراه کننده نیز هست."

ده سال پیش فرضاً "۸۰٪ بیسواد داشته ایم در حالیکه امروزه ۵۰٪ داریم و ۲۰ برابر بیشتر دانشجو. این ارقام نشان می‌دهد که سمتهای مهمی را هنوز در ادارات ما دارندگان تصدیق ششم ابتدائی اشغال می‌کنند در حالی که فارغ التحصیلان جوان باید زیر دست آنان کار کنند. بنابراین در جامعه‌ای که دارای چنین ساخت فرهنگی است تکیه "بر تحصیلات پدر" ناصواب است."

هنوز هم در کشور ما رابطه تام بین میزان درآمد و سطح تحصیلات و شغل پدر مانند آنچه که در کشورهای صنعتی معمول است وجود ندارد. محقق اجتماعی با شناختن شغل پدر نمی‌تواند در مورد پسر قضاوت کند. همچنین است در مورد رابطه بین شغل پدر و انتخاب شغل از طرف پسر. شرایط زمان ما طوری است که فرزند پزشک می‌خواهد پزشک بشود و فرزند کارگر نیز همچنین.

ما در حین تحقیقات در زمینه روانشناسی اجتماعی مثلاً "در مطالعه نظریات و عقاید و گرایشهای جوانان دیپلمه پشت کنکور در مرداد ماه ۲۵۲۷ به سوءالاتی برخورد کرده ایم که نشانه دقیقتری از افکار و عقاید این جوانان به دست می‌داد. مثلاً "پرسیده بودیم: "اگر قرار باشد در پرداخت میزان شهریه آزاد باشید با توجه به وضع مادی و مالی خود وجدانا چه مقدار می‌پرداختید؟". در پاسخ به این سؤال داوطلبان واقعی‌ترین

مقدار را رقم زده اند . در اینجا این جوانان خود را با توجه به مشکلات مالی و میزان فداکاری که حاضرند بکنند تا در جایی که برای خود مناسب می دانند قرار بگیرند جای خود را در سلسله مراتب اجتماعی تعیین می نمایند . این " جا " جایی است که با میزان آرزوی آنها تطبیق می کند و با نیروی برآوردن نیازها و همچنین مشکلات مادی آنان موافقت دارد . در واقع مجموعه این ارزیابیهاست که موقعیت واقعی دانشجو را بما می نمایاند و اطمینان حاصل است که این " جا " از جایی که " درآمد پدر " به ما می داد واقعتر است . زیرا بسیاری از جوانانی که در شرایط حاضر اجتماعی از متغیر درآمد پدر بریده اند . اینجاست که محقق به مکتب " واقعیت " می رود و از فرهنگ محلی الهام می گیرد . الهام نه تنها در گردآوری اطلاعات بلکه در بنای نظری کار خویشتن ، زیرا با همین متغیر شاخص است که باید یک مضمون تازه از اشل اجتماعی بسازد و عوامل روانی - اجتماعی را در همه جهات در نظر بگیرد .

بنای نظری

گفته شد که عالم اجتماعی و به طریق اولی روانشناس اجتماعی نباید با توجه به نظریه های سنتی علوم اجتماعی بطور خشک و کتابی متغیرهای توجیهی را به کارگیرد و ما متأسفانه در ایران تاکنون پا را از این فرا تر نگذارده ایم . اگر این متغیرها در مغرب زمین نسبتاً ثابت تر و پایدارترند در ایران برعکس با پدیده " رشد سریع " دگرگون می شوند . در جامعه سنتی ما تنوع فردی تقریباً " وجود ندارد و اندیویدوالیسم یا فردگرایی مرکزیت شخصیت مردم ما را تشکیل نمی دهد . جریان زندگی فرد با تاریخ خانواده اش آمیخته است و گرایشهای فردی سازمان یافته در نهاد افراد ایرانی وجود ندارد . برعکس گرایشهای خانوادگی و جمعی در آنها قوی است . حال اگر یک فرد سنتی با مشخصات بالا ناچار گردد از گذشته خود ببرد و امواج زندگی وی را از صحنه ده به شهر پرتاب کند به یکباره تبدیل به یک فرد تنها می شود . از ساخت و ترکیب اجتماعی ده که در آن حل شده بود جدا می ماند و در جامعه بزرگ ، نا منظم و در حال تحول دائم که قدرت جذب وی را در مقام یک اتم اجتماعی ندارد وارد می گردد و در این حال گویی جریان وجود او قطع می شود . این فرد ناچار خواهد بود برای خویش یک نظام ارزشی و فکری تازه دست و پا کند . اهداف و امیال و آشناییهای او که بی شک با گذشته پیوند دارد بر حسب آینده ای نوسازمان

مجدد می‌یابند و یک دگرگونی عمیق در منطق رفتار او ظاهر می‌گردد. در این حال بسی نا بخردانه خواهد بود که ما بخواهیم این منطق نو را با ضابطه‌های توجیهی سنتی تبیین کنیم.

از آنجا که زندگی و وجوه فکری فردریشه کن شده‌است باید قبل از هرچیز در زندگی تازه و وجوه تازه فکری او مطالعه به عمل آید تا بتوان نتیجه آن را با اصلیت فرد و گذشته او مطابقت داد. قطع رابطه او با گذشته ما را از مراجعه به گذشته او جهت شناخت رفتار کنونی او معاف می‌دارد و ما دیگر حق نداریم به هر قیمت بر اطلاعات مادی و عینی گذشته که تاکنون آنها را اساسی می‌پنداشتیم تکیه کنیم. این کار یک خطر جدی برای تحقیقات در علوم اجتماعی محسوب می‌شود.

برای اجتناب کردن از این خطر ما در زیر دو فرضیه به محققان علوم اجتماعی در کشورهای در حال رشد سریع پیشنهاد می‌کنیم:

فرضیه ۱ - :

عامل اساسی و باصطلاح مشخص کننده (*discriminant*) در گرایشهای سنتی عبارت است از رابطه بین فرد و پدیده رشد و یا به عبارت دیگر میزان تماس فرد با پدیده رشد (تجدد طلبی)، بطوری که بنای یک اصل مبتنی بر میزان ادغام (*integration*) و یا شرکت در جامعه در حال رشد ابزار اساسی تحلیل گرایشها قرار بگیرد. مثلاً "در مورد جوانان "پشت کنکوری" باید یک طبقه بندی (*Typologie*) به وجود آورد که قادر باشد مجموعه گرایشهای آنان را (چه در قبال خانواده و تربیت و چه در برابر زندگی حرفه‌ای و جامعه بطور کلی) در بر بگیرد. ممکن است بهترین راه حل درجه فرهنگ پذیری از غرب (*acculturation occidentale*) باشد که برای تشخیص آن متغیرهای شاخصی را در دست داریم. دو مثال می‌آوریم:

۱- تمایل جوانان در ادامه مراحل مختلف تحصیلات در ایران یا در خارج: در پاسخ به سؤالی زیر که در پرسشنامه مربوط به مسائل جوانان داوطلب در مردادماه ۲۵۲۷ شده بود: " آیا شما برای ادامه تحصیلات کدامیک از صورتهای زیر را می‌پسندید؟ پاسخهای متنوعی داده شد که تاءثیر فرهنگ غرب را بر آنان نشان می‌داد و تا حد زیادی جای این فرهنگ نو را در ذهن آنها مشخص می‌نمود.

۲- شناسایی نام وزارتخانه ها و وزراء: در پاسخ به سؤالیهای زیر که در همان پرسشنامه

آمده بود .

" وزارتخانه های زیر را برحسب اهمیت حیاتی برای کشور از ۱ تا ۲۱ شماره بدهید " .
 ویا " بدون آنکه از کسی کمک بگیرید نام وزیر فعلی هر وزارتخانه را در برابر نام هر وزارتخانه
 بنویسید " . شناخت اهمیت وزارتخانه ها و تعداد وزراء معرف شناخت اجتماعی جوانان
 بود و نشان می داد مثلا " کسانی بیشترین تعداد را بیاد دارند که به رفتن به خارج
 تمایل بیشتری اظهار داشته بودند .

همانطور که می بینیم بستگی به دنیای غرب با ادغام در زندگی ملی و اجتماعی ایران
 امروز مطابقت و همبستگی دارد و این موضوع در مورد ادغام در زندگی خانوادگی و روستایی
 سنتی معکوس می باشد .

ما این دو مثال را بطور نمونه بعنوان متغیرهای شاخص ارائه دادیم ، ولی می توان
 ده ها متغیر از این قبیل یافت تا به کمک آنها ساختمان جدی و ارزشمند یک اشل تجدید
 خواهی (مدرنیسم) و یا شرکت در رشد میسر گردد .

فرضیه ۲ :

میزان بستگی فرد به جامعه سنتی و یا رشد اجتماعی در موارد و شرایط مختلف تفاوت می کند

الف (نقش موارد (موضوعات)

مسائلی از قبیل غرب گرایی و تغییر پدیده های جدی اجتماع امروز ما شده اند و
 رفتارها در قبال این پدیده های نو صرفنظر از سن و درآمد و شغل یکسان بنظر می رسد .
 مراحل مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی رشد عکس العملهایی را ایجاد می نماید که
 عمومی و کلی اند و مثل این است که یک فضای همگانی همه افراد را به یک نوع رفتار و امی دارد .

ب (نقش شرایط

افراد در جامعه سریع رشد و شخصیتی گردیده اند و در دو نوع شرایط و فضای سنتی
 و صنعتی به دو طریق اظهار وجود می نمایند . از یک نوع رفتار و اظهار به سادگی به نوع
 دیگر آن می پردازند . مثلا " یک راننده تاکسی وقتی در کنار یک مرد روحانی قرار دارد
 و با او به گفتگو می پردازد ، گویی مانند خود او دنیا را از دیدگاه روحانیت می نگرد و
 در قالب حرکات و حالات مرد روحانی رفتار می کند و سخن می گوید . اگر چنانچه لحظه ای
 بعد یک دختر و پسر جوان امروزی جای مرد روحانی را در کنار او بگیرند اونیز به وجد می آید
 و فضای فکری وی دگرگون می شود و حق را به جانب دوجوان می دهد و احیانا " رفتار محبت
 آمیز و موافقی نیز نسبت به آنها از خود نشان می دهد ، در حالی که اگر مرد روحانی و این

دختر و پسر جوان با هم در یک تاکسی سوار باشند فضای داخل وسیله نقلیه تبدیل به فضای ناراحت کننده و منافق و مبهمی می‌گردد که استنشاق آن برای همه دشوار می‌شود .

این فضای ناراحت کننده را به صورت تفاوت در رفتارها در شرایط ادامه تحصیل و زندگی در جامعه نو و شغل امروزی از یک طرف و شرایط خانوادگی و عادات سنتی از طرف دیگر آشکارا می‌توان دید . هنگامی که فرد در شرایط نوع دوم قرار می‌گیرد و زنه سنگینتر بطرف زندگی گذشته می‌رود و آنگاه که در برابر انتخاب شغل واقع می‌شود در حد جامعه امروز فکر می‌کند .

از نظر آماری نشان داده شده است که شغل و تحصیلات پدر در انتخاب شغل از طرف پسر تأثیری ندارد . همگان قصد دارند به دانشگاه راه یابند . این تفاوت رفتار را فقط با پدیده " رشد سریع " می‌توان توجیه نمود . جامعه ما چنان مشاغل نو و شرایط تازه ای در کار ایجاد کرده است که پسر با توجه به نیاز کشور و آرمانهای خویشتن و موقع جدید اجتماعی استدلال می‌نماید و پدر هم به دنبال او کشیده می‌شود .

باین ترتیب در سالهای ۲۵۱۰ تا ۲۵۲۰ هنوز هم یک پسر می‌بایست شغل پدر را انتخاب کند ، در حالی که در زمان حال و برای نسل کنونی یا اداره و یقه سفید مطرح است و یا تکنیک و صنعت نقش اصلی را بازی می‌نماید . در واقع این قوانین رشد است که انتخاب شغل را تعیین می‌کند .

نتیجه

در پایان باید به اختصار بر یک موضوع تکیه کرد و آن هم حالت موقتی و گذرا و وضع انتقالی جامعه ماست . مرحله دیگری از رشد بدون شک برداشت (*approche theorique*) دیگری را ایجاب می‌کند . ویژگی اصلی وضع حاضر از هم گسستگی ارزشها و دوگانگی جامعه ای است که رشد سریع آنرا تکان داده است بدون آنکه آمادگیهای لازم وجود داشته باشد .

فرهنگ ایران که ادامه حیات آن حتمی است دست به کارهضم و جرح و تعدیل بعضی عوامل نا متجانس رشد زده است تا آنها را با خود و خود را با آنها هماهنگ سازد و احتمالاً " شکل تازه‌ای از وحدت به وجود خواهد آمد که آن گاه شکل دیگری از دید روانی - اجتماعی را ایجاب خواهد کرد . (۶)

6- Kotobi (Mortéza) et Villette (Michel), "Problemes methodologiques de L'enquête dans les pays en voie de développement, le cas de L'Iran, in Revue Francaise de Sociologie, Vol. XV, N.3, Juill. Sept. 1974, PP. 393- 404 .